

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۲۰

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی آسیب‌های اجتماعی نوجوانان و نقش رسانه در پیشگیری و کنترل آن

نوشته

بهنام رضاقلی‌زاده *

چکیده

این پژوهش به شناسایی و بررسی آسیب‌های اجتماعی نوجوانان از دیدگاه کارشناسان و نقش رسانه در پیشگیری و کنترل این آسیب‌ها می‌پردازد. هدف مطالعه حاضر، آگاه‌سازی، پیشگیری و مقابله با آسیب‌های اجتماعی، با اتخاذ روش‌شناسی کیفی و تکنیک مصاحبه عمیق است. جامعه آماری، شامل کارشناسان حوزه‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی و رسانه است که به صورت نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند انتخاب شده‌اند. چارچوب نظری بر اساس نظریه‌های آسیب‌شناسی اجتماعی یا نظریه‌های مرتبط با جامعه‌شناسی و روان‌شناسی تدوین شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی نوجوانان شامل آسیب‌های فردی، آسیب‌های محیطی، آسیب‌های نوپدید در حوزه فضای مجازی و آسیب‌های مدیریتی و حاکمیتی است. عوامل فردی و روانی مؤثر در بروز آسیب‌های اجتماعی نوجوانان به دو دسته عوامل درونی (خود) و بیرونی (محیط) تقسیم‌بندی می‌شوند. از مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی می‌توان به عوامل ساختاری و حاکمیتی، ارتباط با گروه همسالان، انتقال ارزش‌های جوامع غربی به کشور، در نتیجه پیشرفت‌های رسانه‌ای و کم‌رنگ شدن اخلاق‌ها و ارزش‌های جهانشمول اشاره کرد. آسیب‌های نوپدید از پیامدهای ظهور و توسعه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی هستند و عناصر آموزشی، خانوادگی، فردی، اجتماعی و سیاسی در بروز این گونه پدیده‌ها نقش دارند.

کلیدواژه: آسیب اجتماعی، نوجوان، رسانه، پیشگیری، کنترل و مقابله با آسیب.

مقدمه و طرح مسئله

خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی، اما بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین واحد تربیتی در جوامع به شمار می‌آید، به گونه‌ای که این نهاد می‌تواند منشأ تحول‌های عظیم فردی، اجتماعی و رشد ارزش‌های انسانی در میان اعضای آن باشد. اما متأسفانه امروزه، نسبت به گذشته، به این نهاد کوچک اجتماعی بهایی کمتر داده شده و در نتیجه جایگاه ارزشمند و حیاتی این نهاد مقدس، در میان نسل نوجوان و جوان نیز رنگ باخته است. شاید از همین روست که همه روزه، به‌ویژه در کلان‌شهرها، بیش از پیش شاهد افزایش مشکلات و نابسامانی‌های خانوادگی و سیر صعودی آمارهای تکان‌دهنده و رو به رشد طلاق، کودک‌آزاری، همسرآزاری، فقر، بزهکاری، اعتیاد، خودکشی، فرار از خانه و ... هستیم که همگی حکایت از رعایت نکردن حقوق و حریم خانواده توسط اعضای آن، دارند. (رفاهی، ۱۳۸۷: ۱۳۱)

دشوارترین دوره زندگی، بلوغ یا همان جوانی است که سختی آن بر شانه‌های فرزندان و والدین سنگینی می‌کند؛ به طوری که ارسطو می‌گوید: «نوجوانان آتشی پرشورند و با مزاجی آتشین آماده می‌شوند که خود را به دست غرایز بسپارند». نوجوانی دوره پر کشمکش و دشوار زندگی است؛ زیرا نوجوانان با تغییرهای جسمی، روانی و شناختی در رفتار و کردار و بیان دچار تغییرهای کلی می‌شوند. فشار و نگرانی در نوجوانی فراوان است، چراکه فرد در این دوره هیجان‌انگیز، نوعی واکنش نسبت به تغییر و تحول‌های طبیعی از خود نشان می‌دهد که در امور روانی، رفتاری، تحصیلی، شغلی و خانوادگی، با نوعی مشکل و تعارض همراه می‌شود و این عوامل، هر یک روح او را آزرده ساخته و منجر به فشار بر اعصاب و روان وی می‌شود. بسیاری از انحراف‌های رفتاری و عقیدتی افراد از همین دوره آغاز و با افزایش سن افراد، استوارتر شده، اصلاح آن دشوارتر می‌شود. بسیاری از والدین، در رویارویی با این تغییرها دچار تعجب و نگرانی می‌شوند و برخی اوقات، به‌درستی نمی‌دانند چه واکنشی از خود نشان دهند. داشتن اطلاعاتی درباره ویژگی‌های روانی، اجتماعی، بلوغ و نوجوانی می‌تواند زمینه‌ساز رابطه مناسب بین نوجوانان و والدین آنها شود. (درستی و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۴)

جوانی دورانی برای تکامل یک سبک زندگی سالم، عملکردها و رفتارهای بهداشتی است و همچنین دوره‌ای است که جوانان با مشکلاتی نظیر استفاده از سیگار، الکل و مواد مخدر و مسائل جنسی و نظایر آن روبه‌رو می‌شوند. افزایش نگرانی‌های عمومی، درباره مسائل مختلف اجتماعی، هم از این جهت که خسارت‌ها و صدمه‌های وارده بر پیکر جامعه از ناحیه این گونه مسائل رو به فزونی دارد و هم از آن جهت که گاهی مقابله با آن نیز روزبه‌روز دشوارتر می‌شود، شناخت علمی و دقیق مسائل اجتماعی را ضروری می‌سازد. (فدوی و فتحی، ۱۳۹۱: ۱۲۴)

مسئله مربوط به آسیب‌های اجتماعی از دیر باز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده است. همزمان با گسترش انقلاب صنعتی و دامنه نیازمندی‌ها، محرومیت‌های ناشی از عدم امکان

برآورده شدن خواسته‌ها و نیازهای زندگی، موجب گسترش شدید و دامنه‌دار فساد، عصیان، تبهکاری، سرگردانی، دزدی و انحراف‌های جنسی و دیگر آسیب‌ها شده است. آسیب‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای یکی از عمده‌ترین عوامل تهدیدکننده نظام اجتماعی تلقی می‌شود. بنیان هر جامعه به هم‌نوایی اعضایش با ارزش‌ها و هنجارهای آن متکی است. اگر اعضای جامعه از هنجارهای اجتماعی تخطی کنند، جامعه نمی‌تواند، به آسانی کارکردهای خود را انجام دهد، بنابراین دچار بی‌سازمانی و بی‌نظمی می‌شود. در این حالت، مکانیسم‌های کنترل اجتماعی (رسمی و غیررسمی) وارد عمل می‌شوند تا افراد ناهمنوا را به هم‌نوایی با هنجارها و ارزش‌های جامعه وادار کنند. اگر این مکانیسم‌ها، مؤثر نیفتد و افراد همچنان به تخطی از هنجارها ادامه دهند، ممکن است شیرازه نظام اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه با خطر جدی روبه‌رو شود. (مکوندحسینی، ۱۳۹۱)

مطالعه انحراف‌های و کجروی‌های اجتماعی، همان "آسیب‌شناسی اجتماعی" است که به مطالعه و شناخت ریشه‌های اجتماعی بی‌نظمی‌ها، ناهنجاری‌ها و آسیب‌هایی مثل بیکاری، اعتیاد، فقر، طلاق و ...، همراه با علل و شیوه‌های پیشگیری و بهبود آن‌ها و نیز، مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامانی اجتماعی می‌پردازد. آسیب‌شناسی اجتماعی، به ارزیابی انواع مسائلی می‌پردازد که در سطح اجتماعی مطرح است و کوشش می‌کند علل متفاوت آن‌ها را از جنبه‌های فردی و اجتماعی و غیره مورد ارزیابی قرار دهد. پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، در هر جامعه‌ای موقوف به شناخت علمی ویژگی‌ها و قانون‌مندی‌های حاکم بر تحول آسیب‌ها در آن جامعه و به کارگیری یافته‌های علمی در فرایند برنامه‌ریزی‌های اجتماعی است. (عبداللهی، ۱۳۸۳)

کشور ایران درحال گذار از جامعه سنتی به مدرنیسم است. لذا تغییرها و دگرگونی‌های سریع و وسیعی در ساختارهای بنیادی، به‌خصوص ساختارهای فرهنگی و اجتماعی خود دارد که شناخت تهدیدها و آسیب‌های اجتماعی، ارزیابی روند و ابعاد متفاوت آن، چگونگی تحول و اولویت‌بندی زمان حال و آینده، نه تنها راه را برای برنامه‌ریزی‌های بهتر هموار می‌کند، بلکه سبب می‌شود تا اقدام‌ها به موقع و تصمیم‌گیری‌های صحیحی، قبل از وقوع هر گونه بحران، اتخاذ و امنیت اجتماعی تا حد امکان حفظ شود.

یکی از راه‌های پیشگیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی استفاده از ظرفیت‌های خوب رسانه‌هاست. نقش رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی، آگاه‌سازی و آموزش در باب آسیب‌های اجتماعی بی‌بدیل است. رسانه به دلیل شناخت شرایط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، مناطق تحت پوشش خود و برنامه‌سازی با استفاده از عناصر و ظرفیت‌های خاص منطقه، می‌تواند در زمینه کمک به شناسایی، پیشگیری، کنترل و مقابله با آسیب‌های اجتماعی در جامعه تأثیرگذار باشد.

بررسی انتقادی، در مورد کارکردها و نقش‌های وسایل ارتباط جمعی، در جوامع معاصر اهمیت زیادی دارد؛ چراکه بررسی دقیق در مورد وظایف و کارکردهایی که هر یک از این وسایل بر عهده دارند، سبب می‌شود تا هر یک از افرادی که به نحوی در این رسانه فعالیت می‌کنند، نسبت به وظیفه

خطیر خود آگاهی بیشتری یابند و در انجام مسئولیت خود دقت بیشتری به خرج دهند. از سوی دیگر، این امر سبب می‌شود تا مسئولان و مدیران جامعه نیز، نسبت به کاربرد مناسب وسایل ارتباط جمعی در برنامه‌های خود اهمیت بیشتری قائل شوند. لذا با این اوصاف، پرسش اساسی مطالعه حاضر، بررسی و شناسایی آسیب‌های اجتماعی ویژه نوجوانان و نحوه پرداختن رسانه به آن است.

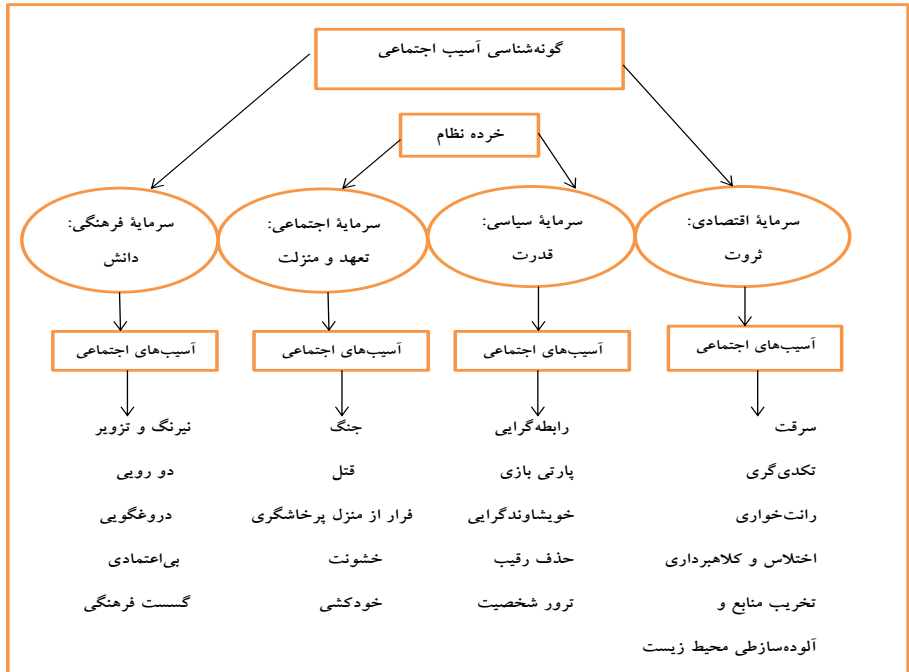
آسیب‌های اجتماعی

انحراف و بزهکاری، نوعی عارضه و بیماری است که از آن تحت عنوان آسیب اجتماعی یاد می‌شود، زیرا وقتی آثار و عوارض آسیب‌ها در جامعه عیان می‌شود، مختص یک فرد نبوده و حتی عوارض آن، به یک جامعه نیز محدود نمی‌شود، بلکه بر اساس فرهنگ‌های مختلف و استحکام ریشه‌های فرهنگی، این عوارض متفاوت بوده و به سرعت با الگوسازی که از آن‌ها می‌شود، به صورت یک عارضه فراگیر در خواهد آمد. آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی، محیط زیست و اجتماع بشری را دستخوش پیامدهایی کرده است که امکان زندگی سالم و کم دغدغه را، به‌خصوص در یک جامعه از بین خواهد برد. (گل پور، ۱۳۸۶: ۵)

کارشناسان در دهه‌های اخیر، با بررسی اختلال‌های رفتاری و انحراف‌های اجتماعی، به این نتیجه رسیده‌اند که بسیاری از اختلال‌ها و آسیب‌ها در ناتوانی افراد برای تحلیل صحیح مسائل شخصی، عدم احساس کنترل و کفایت هنگام رویارویی با موقعیت‌های دشوار و عدم آمادگی برای حل مشکلات و مسائل زندگی، به شیوه مناسب، ریشه دارد. (سرخوش، ۱۳۸۴: ۲۵)

لذا عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتار انحرافی و بزهکاری، گوناگون و متعددند از جمله وضعیت اقتصادی خانواده (فقر یا رفاه بیش از حد) معاشرت با دوستان ناباب و ناصالح، بدون هدف گذراندن اوقات فراغت، بیکاری، نوع شغل و میزان درآمد، رضایت و عدم رضایت شغلی، تجرد و تأهل، تراکم جمعیت، مهاجرت، بی عدالتی، مواد مخدر و اعتیاد، وسایل ارتباط جمعی از قبیل روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون ... همگی در ارتکاب جرم و پیدایش و توسعه مفاسد و کجروی‌ها اثر قطعی دارند. پیچیدگی رفتار آدمی به گونه‌ای است که نمی‌توان یک عامل را، عامل مسلط رفتار بهنجار تلقی کرد، بلکه عوامل متعدد و منظوم‌هایی از علل و عوامل مشکل و ارتباط متقابل با یکدیگر منجر به پیدایش رفتار می‌شود. ارتباط متقابل فرد و جامعه و محیط پیرامونش و تعادل بین آن‌ها در تکوین رفتار مؤثر است. (فدوی و فتحی، ۱۳۹۱: ۱۲۳)

در گونه‌شناسی آسیب‌های اجتماعی از ملاک‌های متفاوتی می‌توان استفاده کرد. این ملاک‌ها، در هر جامعه‌ای حداقل به چهار خرده‌نظام فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اختصاص دارند. در هر یک از این حوزه‌ها، کنشگران فردی و جمعی می‌توانند با رعایت اصول و قواعد عمل جمعی مورد قبول در آن حوزه‌ها، به چهار نوع سرمایه یا منبع ارزشمند سرمایه فرهنگی یا دانش، سرمایه اجتماعی یا تعهد و منزلت، سرمایه سیاسی یا قدرت و سرمایه اقتصادی یا ثروت — مورد نیاز هر جامعه دست یابند. بنابراین، در مجموع با چهار گونه کجروی روبه‌رو هستیم. (فردوسی و آقاپور، ۱۳۹۱: ۳۰)



آسیب‌شناسی اجتماعی و اهداف و مقاصد آن

آسیب‌شناسی اجتماعی، مفهوم جدیدی است که از علوم زیستی گرفته شده و مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماری‌های عضوی و آسیب‌های اجتماعی (کجروی‌ها) قائل می‌شوند. واژه آسیب‌شناسی از دیدگاه پزشکی، به فرایند ریشه‌یابی بیماری‌ها گفته می‌شود. آسیب‌شناسی از ترکیب کلمه‌هایی با ریشه یونانی path یا pahto به معنای رنج، محنت، احساس‌ها و غضب، و logy به معنای دانش و شناخت به وجود آمده است. علوم اجتماعی در قرن نوزده، به دلیل مشابهت‌سازی میان کالبد انسانی و کالبد جامعه و بیماری‌های عضوی و بحران‌های اجتماعی، دانش نویی به نام آسیب‌شناسی اجتماعی را جهت مطالعه عوامل و ریشه‌های بی‌نظمی و بیماری‌های اجتماعی پدید آورد. (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۲۶۴)

آسیب‌شناسی اجتماعی، مطالعه خاستگاه، اختلال‌ها، بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی است که اگر در جامعه هنجارها مراعات نشوند کجروی پدید می‌آید و رفتار آسیب می‌بیند (مدنی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۱). بنابراین در آسیب‌شناسی اجتماعی، قوانین و علل ناهنجاری‌ها، آسیب‌ها و بیماری‌های اجتماعی از قبیل اعتیاد، فقر، جرم، روسپی‌گری، طلاق، خودکشی، خشونت، بیکاری، کودکان خیابانی و غیره مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در این زمینه اهداف آسیب‌شناسی اجتماعی عبارت‌اند از:

الف. مطالعه و شناخت آسیب‌های اجتماعی، علل و انگیزه‌های پیدایی آن‌ها، بررسی شخصیت کژرفتاران، ویژگی‌های جسمانی، روانی، فرهنگی و اجتماعی آنان؛ شناخت درست دردها و آسیب‌ها، نخستین شرط چاره‌جویی و پیش از نیمی از درمان است. درد تشخیص داده نشده را نمی‌توان درمان کرد؛ زیرا هرگونه ساختن بدون شناختن، تیر در تاریکی رها کردن است.

ب. پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، به منظور بهسازی محیط زندگی جمعی و خانوادگی؛ از آنجا که پیش‌گیری همواره ساده‌تر، عملی‌تر و کم‌هزینه‌تر از درمان است، اهمیت بسیاری دارد.

ج. درمان آسیب‌دیدگان اجتماعی با به‌کارگیری روش‌های علمی و استفاده از شیوه‌های مناسب برای قطع ریشه‌ها و انگیزه‌های آنان.

د. تداوم درمان برای پیشگیری و جلوگیری از بازگشت مجدد کژرفتاری و بررسی شیوه‌های بازپذیری اجتماعی. (ستوده، ۱۳۸۰)

جامعه‌شناسی رفتار انحرافی

انحراف، در لغت به معنای عملی است که به دور از هنجارها باشد. انحراف اجتماعی، از جمله مسائلی است که در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی بدان پرداخته می‌شود. انحراف، صفت منسوب به برخی رفتارها یا اشخاص، نظیر بزه‌کاران یا بیماران روانی می‌شود. این موضوع از آراء متقدم آسیب‌شناسی اجتماعی اخذ شده است. (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۱۳)

جامعه‌شناسان، انحراف را نه مانند صفتی رفتاری یا نوعی شخصیت، بلکه به منزله ویژگی برخی وضعیت‌های اجتماعی یا کارکردهای ساختی نظام اجتماعی در نظر می‌گیرند. برای مثال، تامسون انحراف را تخطی از هنجارهای یک جامعه یا گروه تعریف می‌کند. (Thomson, 2004: 2)

رفتار انحرافی، عبارت از رفتار ارادی است که هنجارهای جامعه را نقض کرده و سلامتی جامعه، یا مردمش و یا هر دو را تهدید می‌کند (Colbert, 2004: 599). رفتارهای انحرافی، می‌توانند هم سازنده و هم مخرب باشند. بیشتر پژوهش‌ها، در زمینه انحراف‌ها مخرب بوده و با وجود اهمیت انحراف‌های سازنده (رفتار ارادی در جهت نقض هنجارها که منابع مهمی برای نوآوری و کارآفرینی است و به ایجاد مزیت رقابتی کمک می‌کند)، تحقیقات کمی در این زمینه انجام شده است. (Galperin & Burke, 2006: 331)

مطالعه انحراف‌های اجتماعی از دیرباز، مورد توجه متفکران اجتماعی بوده است. دسته‌ای از آنها، رفتار نابهنجار را به سرشت آدمی نسبت می‌دهند؛ آن را امری ذاتی می‌دانند که هنگام تولد شکل می‌گیرد و معتقدند که آموزش و پرورش و تربیت اجتماعی در آن بی‌تأثیر است. اما گروهی از متفکران اجتماعی، مانند ژان ژاک روسو، سرشت آدمی را همچون آینه‌ای نقش‌پذیر می‌دانند و به نقش تربیت اجتماعی، بسیار اهمیت می‌دهند. دورکیم به دوگانگی سرشت انسان اعتقاد دارد. به

نظر این متفکران، سرشت آدمی ترکیبی از سرشت اصلی یا متغیر سرشت اجتماعی است. (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۱۸)

مطالعه جامعه‌شناختی رفتارهای انحرافی، مستلزم تمایز میان چند دسته از پدیده‌های اجتماعی و در عین حال، مرتبط با یکدیگر است. نخست پدیده‌هایی که ناهنجاری (انحراف، کجروی، کژروی) اجتماعی نامیده می‌شوند و موضوع اصلی جامعه‌شناسی ناهنجاری‌های اجتماعی هستند. دوم، پدیده‌های ناهنجاری که کیفیتی بیمارگونه یافته‌اند و به عنوان پدیده‌های آسیب‌شناسانه مورد مطالعه قرار می‌گیرند. سوم، پدیده‌هایی که فاقد هر گونه نظم و قاعده (آنومیک) هستند و آن‌ها را مسائل اجتماعی می‌دانیم. چهارم، پدیده‌هایی که به افعال مجرمانه مشهور شده‌اند و موضوع مورد مطالعه جامعه‌شناسی جنایی است. پنجم، پدیده‌هایی که از آن‌ها به عنوان افعال گناهکارانه نام برده می‌شود و به حوزه دین مربوط است و ششم، افعالی که پدیده‌های ناهنجار نامیده می‌شوند، لیکن بدان‌ها نوآوری و خلاقیت نیز می‌گویند. بنابراین، جامعه‌شناسی انحراف‌های اجتماعی به طور کلی، مطالعه شش دسته از افعال به ظاهر یکسان با معنای متفاوت است. از این رو، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در کل، مطالعه رفتارهای مخالف با اخلاق اجتماعی (ناهنجاری‌ها)، قانون (جرم)، و شرع (گناه) است که امروزه نامطلوب‌اند، و همچنین انواع نوآوری‌هایی که ممکن است در حال حاضر نامطلوب باشند، اما بعدها مطلوب به حساب بیایند. چنین به نظر می‌رسد که ناهنجاری‌های اجتماعی، همان گونه که رابرتسون یادآور شده، هیچ‌گاه از معنای ثابت و پایداری بهره‌مند نبوده و نخواهد بود. (زکریایی، ۱۳۸۲)

به منظور تبیین انحراف‌های اجتماعی، در دوره‌های مختلف نظریه‌های متعدد و دسته‌بندی‌های گوناگونی از آن‌ها به وجود آمده است. برای مثال برخی نظریه‌پردازان، با تأکید بر روندهای تاریخی، به دسته‌بندی آن‌ها پرداخته و نظریه‌ها را به سه دسته "پیشامدرن"، "مدرن" و "پسامدرن" تقسیم کرده‌اند. گروهی دیگر بر اساس علل ناهنجاری‌ها و جرائم، آن‌ها را به هفت گونه یعنی "کارکردگرا"، "تضاد فرهنگی"، "انتقال فرهنگی"، "نظریه‌های فرصت"، "نظریه‌های افراطی - تضادی"، "کنترل اجتماعی" و "نظریه‌گنش متقابل" تقسیم کرده‌اند. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۶۴)

باید تأکید کرد که هیچ نظریه‌ای، به‌تنهایی برای تبیین و توضیح کجرفتاری‌های اجتماعی کافی نیست و برای چنین کاری به نوعی متاتئوری نیاز است، تا بتوان تمام زوایای این فرایند پیچیده و مهم اجتماعی را شناخت و معنی کرد.

جامعه‌شناسی جرم

از نظر جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان، جرم عبارت از هر فعل یا ترک فعلی است که مخالف افکار و وجدان عمومی باشد، اعم از اینکه مورد حمایت قانونگذار قرار گرفته باشد یا نه. در واقع، جرم در این مفهوم به معنای مطلق انحراف است. جرم عبارت از هر جمله‌ای است که به‌وسیله فرد عضو

یک دسته اجتماعی، بر ضد یک ارزش مشترک این دسته به عمل در می‌آید. دورکیم، جامعه‌شناس مشهور فرانسوی، می‌گوید ما می‌توانیم وجود یک سلسله از عملیاتی را اثبات کنیم که اجتماع بر ضد آن‌ها واکنشی به صورت مجازات نشان می‌دهد. از این سلسله عملیات، گروهی می‌توان درست کرد و به آن عنوان مشترکی به نام "جرم" داد. کانت، جرم را در مفهومی گسترده به کار برده و می‌گوید هر عملی که مخالف اخلاق و عدالت باشد، جرم است. با توجه به تعریف‌های یادشده، مفهوم اجتماعی جرم بسیار گسترده‌تر از مفهوم حقوقی آن است و به هرگونه انحراف از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی اطلاق می‌شود (فیض، ۱۳۶۹: ۶۶). عوامل مؤثر در بروز جرم عبارت است از:

۱. عوامل زیستی

تأثیر زیست‌شناختی وراثت و انتقال ویژگی‌های جسمانی، عقلانی و هوش والدین و اجداد انسان از دیرزمان، موضوع مطالعه روان‌شناسان و علمای اخلاق بوده و تحت عنوان "وراثت عقلی و اخلاقی" مورد بررسی واقع شده است. بین دانشمندان علوم زیستی و وراثت، لمبرزو یکی از پیشگامان این نظریه است. این دانشمند با آزمایش‌های متعدد و مطالعه‌های طولانی، روی ۳۸۳ جمجمه جنایتکاران ایتالیایی و ۵۹۰۷ بزهدکار زنده نتیجه‌گیری کرد که برخی اختلال‌های بیولوژیکی علت بزه این افراد است. وی بر اساس این آزمایش‌ها فرضیه "جانی" را ارائه داد. بررسی‌هایی که به منظور تأیید نظریه لمبرزو ارائه شد، مربوط به دوقلوهای یک تخمکی بود. طبق بررسی‌های متعدد مشخص شد که دوقلوهای یک تخمکی شباهت‌های رفتاری بسیاری دارند (۶۷/۳ درصد)، در حالی که در دوقلوهای دو تخمکی این میزان بسیار کمتر بوده است. (۳۲/۱۷ درصد) (عبقری، ۱۳۸۰: ۲۷)

۲. عوامل درونی

رافائل گاروفالو از معتقدان تأثیر عوامل روانی در ارتکاب بزه است. بررسی و شناخت عوامل روانی جرم، به دانش روان‌شناسی جنایی مربوط است. از جمله رسالت‌های این دانش، بررسی منش و شخصیت بزهدکار و ارزیابی گرایش‌های ضداجتماعی و مطالعه روان خودآگاه و ناخودآگاه آنان، به منظور تعیین مسئولیت اخلاقی و اجتماعی‌شان است. در مطالعه‌ای که جرم‌شناسان دانمارکی انجام دادند مشخص شد که ۷۵ درصد مجرمان ۱۸ تا ۲۵ سال، بیماری روانی داشتند. آنان همچنین دریافتند که ۷۹ درصد مجرمان به بیماری‌ها و اختلالات روانی از قبیل نورو، سایکوز و روان‌پریشی مبتلا هستند. بر اساس دیدگاه روانکاو فروید، خانواده و والدین کودک، نقش بسیار بزرگی در ساختن شخصیت معتدل و استوار انسان دارند؛ زیرا چنانچه سیر طبیعی رشد کودک تا پنج سالگی تکمیل نشود و طی یکی از مراحل، متوقف شود، سبب بروز اختلال‌ها و واکنش‌های ضداجتماعی در رفتار آدمی خواهد شد. طبق دیدگاه روان‌شناسان، در تحلیل شخصیت بزهدکار، تمایلات و انگیزه‌های ناخودآگاه جایگاه مهمی دارند. از نظر این اندیشمندان، مجازات افرادی که به علل

اختلال‌های روانی مرتکب بزه می‌شوند نه تنها متمر ثمر نیست، بلکه آنان را به سوی جرائمی تازه نیز سوق می‌دهد. (شامبیاتی، ۱۳۷۸: ۷۵)

۳. عوامل اجتماعی

برخی از دانشمندان عوامل محیطی و اجتماعی را منشأ پدیده جرم تلقی کردند. به نظر این دانشمندان، جرم پدیده‌ای نیست که عوامل و شرایط جسمانی و روحانی افراد در آن تأثیر داشته باشد، بلکه عامل جامعه و محیط سبب بروز جنایت می‌شود (همان: ۷۶). لاکاسانی (۱۸۴۳ - ۱۹۲۴م) رئیس مکتب محیط اجتماعی، تنها عامل محیطی و فرهنگی را موجب جرم معرفی کرده است. به نظر این دانشمند، همان گونه که هر میکروب در شرایط و محیط خاصی اجازه رشد و نمو و تکثیر می‌یابد، پدیده جرم نیز در محیط و فرهنگ مربوط به خود زاییده می‌شود. از نظر لاکاسانی، منشأ پدیده جرم تنها عوامل زیستی- روانی است. مارکی نیز پدیده جرم را ناشی از وضعیت نابهنجار اقتصادی می‌دانست. مکتب سوسیالیست او جامعه اشتراکی را جامعه ایدئال معرفی می‌کرد؛ طبق نظر آنان جرم زاییده نظام سرمایه‌داری است. بنابر نظر محققان جرم‌شناسی، در بروز پدیده جرم عوامل پیچیده زیستی- روانی- اجتماعی دخالت دارند. (عبقری، ۱۳۸۰: ۳۱)

یادگیری اجتماعی و جامعه‌پذیری

تأثیر رسانه‌های جمعی در زندگی روزانه شهروندان، محدود به تقویت یا تغییر نگرش‌ها و رفتارها نیست، بلکه می‌تواند منجر به کسب ارزش‌ها و نگرش‌ها و الگوهای رفتاری شود که از آن به آثار اجتماعی رسانه‌ها تعبیر می‌کنند. یکی از نظریه‌های مربوط به آثار اجتماعی رسانه‌ها، "نظریه یادگیری اجتماعی" بندورا (Bandura) است که به‌طور ویژه، با ارتباط جمعی در رابطه است. بر اساس این نظریه، انسان‌ها بیشتر آنچه را که برای راهنمایی و عمل در زندگی نیاز دارند، فقط با تجربه و مشاهده مستقیم یاد نمی‌گیرند، بلکه عمده آن‌ها به‌طور غیرمستقیم و به‌ویژه از طریق رسانه‌های جمعی آموخته می‌شود. ادعای اصلی بندورا این است که بیشتر رفتارهای آدمی، به صورت مشاهده رفتار دیگران و از طریق الگوبرداری یاد گرفته می‌شود. نظریه یادگیری اجتماعی، به‌طور گسترده‌ای برای مطالعه تأثیر رسانه‌ها بر خشونت مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مقایسه با نظریه کاشت، که مدعی تأثیرگذاری خشونت تلویزیونی بر نگرش‌هاست تا رفتارها؛ نظریه یادگیری اجتماعی، پرخاشگری را نتیجه تماشای برنامه‌های خشونت‌آمیز می‌داند که به عنوان یک رفتار، آموخته و عمل می‌شود. (مهدی‌زاده، ۱۳۹۲: ۵۹)

بندورا می‌گوید رسانه‌ها، اگرچه تنها منبع یادگیری اجتماعی نیستند و نفوذ و تأثیرشان به دیگر منابع یادگیری یعنی والدین، دوستان و معلمان وابسته است، ولی روی مردم تأثیر مستقیم دارند و این تأثیرگذاری به میانجی نفوذ شخصی یا شبکه‌های اجتماعی صورت نمی‌گیرد. نقش

جامعه‌پذیری رسانه‌ها به این معناست که رسانه‌ها ارزش‌ها و هنجارهای مقبول و جا افتاده اجتماعی را از رهگذر پاداش و تنبیه نمادین، برای انواع متفاوت رفتار به مردم یاد می‌دهند. جامعه‌پذیری فرایندی است که طی آن، فرد می‌آموزد تا عضو یک جامعه و فرهنگ خاص شده و به این ترتیب، به موجودی واقعاً اجتماعی و فرهنگی بدل شود. به عبارتی، جامعه‌پذیری فرایند توسعه احساس پیوستگی فرد با جهان بزرگ‌تر اجتماعی از طریق یادگیری و درونی‌سازی ارزش‌ها، باورها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی است. (همان: ۶۰)

ملوین دفلور و اورت دنیس (M. Defleur & E. Denis) به دو جنبه متفاوت جامعه‌پذیری رسانه‌ها اشاره می‌کنند: نخست نظریه الگوبرداری است که طی آن مخاطبان، الگوهای رفتاری به نمایش درآمده در رسانه‌ها را جالب و قابل تقلید تشخیص می‌دهند. دومین جنبه جامعه‌پذیری وسیع‌تر است و برخلاف الگوبرداری قبلی، که متوجه رفتار فردی است، نوعی رفتار اجتماعی است و الگوهایی را برای رفتار فرد در یک گروه اجتماعی ارائه می‌دهد. (دفلور و اورت، ۱۳۸۳: ۶۳۸)

روش تحقیق

این پژوهش، با روش کیفی، استفاده از مطالعه اسنادی و تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختار یافته انجام شده است. مصاحبه‌شوندگان در حوزه‌های مختلفی همچون علوم اجتماعی، روان‌شناسی، علوم تربیتی و رسانه متخصص هستند. کارشناسان مورد استفاده باید در حوزه‌هایی نظیر رسانه، علوم اجتماعی و روان‌شناسی اطلاعات کافی داشته و خود نیز در رشته‌های مربوطه فعالیت عملیاتی کرده باشند. به همین منظور، از متخصصانی که در حوزه معاونت اجتماعی نیروی انتظامی، آموزش و پرورش، صداوسیما، استانداری، بهزیستی و ... فعالیت کرده و آگاهی‌های لازم را در مورد موضوع مورد بررسی نیز داشتند، در پژوهش حاضر بهره گرفتیم.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از جمع‌آوری دیدگاه متخصصان و کارشناسان، نظر هر کدام از آنها در مورد هر سوال بررسی و سعی شد این نظرها، با دقت فراوان استخراج و مورد تحلیل قرار گیرد. در این تحقیق، پژوهشگر در مرحله تحلیل داده‌ها در سه زمینه کار انجام داد: ۱. مدیریت داده‌ها: در این مرحله پژوهشگر با ابزارهایی همچون مقوله‌بندی، به مرتب کردن و بازیابی داده‌ها می‌پردازد؛ ۲. کاستن از حجم داده‌ها: اولویت قائل شدن برای برخی از داده‌ها و کنار گذاشتن بقیه؛ ۳. پروراندن نظریه‌ها و مفاهیم: کاهش حجم مفاهیم و عمیق‌تر کردن آنها. (لیندلف، ۱۳۹۲)

یافته‌های تحقیق

مهم‌ترین یافته‌ها در زمینه آسیب‌های اجتماعی نوجوانان در حوزه‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی،

فرهنگی، قانونی - حاکمیتی، و نقش نهادهای مختلف در این زمینه را می‌توان به این صورت دسته‌بندی کرد.

۱. مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی نوجوانان

الف. آسیب‌های فیزیکی و رفتاری: نزاع‌های خیابانی؛ اعتیاد به سیگار؛ مواد مخدر؛ مصرف قرص‌های روانگردان و مشروب‌های الکلی؛ ترک تحصیل؛ بدحجابی؛ کودکان کار و خیابانی؛ اختلال‌های سایکوتیک و رفتاری.

ب. آسیب‌های نوپدید: بروز و ظهور رفتارهای نوپدید اقتباس شده از فرهنگ‌های غربی؛ وابستگی بیش از حد به فضای مجازی و بازی‌های اینترنتی؛ فقدان سواد رسانه‌ای در مدیریت برخورد با رسانه‌های نوین مثل اینستاگرام و تلگرام که باعث بروز مشکل‌های جدی از جمله بلوغ زودرس می‌شود.

ج. آسیب‌های شناختی: عدم تعریف مناسب از هویت خود؛ مسئولیت‌پذیر نبودن؛ بی‌تفاوتی به آینده؛ بی‌مهارتی؛ سست عقیده بودن.

د. آسیب‌های محیطی: بی‌سوادی و فقر فرهنگی والدین؛ اعتیاد والدین؛ فقر اقتصادی خانواده؛ عدم آگاهی والدین از شیوه‌های صحیح تربیتی؛ نبود آینده‌مشخص شغلی و تسلط جو ناامیدی؛ دوستان ناباب؛ گسست نسلی.

ه. آسیب‌های مدیریتی و حاکمیتی: نبود امکانات آموزشی، تفریحی، سرگرمی و ورزشی کافی در سطح شهر و روستاها؛ نبود چشم‌انداز شغلی مناسب؛ کارکرد ضعیف آموزش و پرورش به‌خصوص در مدارس دولتی؛ بلا تکلیفی نوجوانان در برخورد با جنس مخالف که هیچ سیاست مدون و آموزشی در قبال آن وجود ندارد.

۲. عوامل فردی بروز آسیب‌های اجتماعی نوجوانان

الف. عوامل درونی: جنس؛ سن؛ وضعیت ظاهری و قیافه؛ ضعف قدرت؛ بیماری؛ عوامل وراثتی و ژنتیکی؛ میل به اظهار و اثبات خود؛ احساس ناامنی، نازپروردگی، خودنمایی، حسادت، حادثه‌جویی، زیاده‌خواهی، بی‌بندوباری، بی‌هویتی و بی‌هدفی در زندگی؛ فقدان مهارت‌های زندگی در مواجهه با مشکلات اجتماعی؛ آرزوهای بلندپروازانه و دست‌نیافتنی؛ فردگرایی و انزواطلبی و گریز از کارهای مشارکتی؛ خوشگذرانی و عافیت‌طلبی؛ اظهار قدرت؛ از بعد فردی وابستگی سلامت اجتماعی به نگرش شخص به خود و دیگران و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند.

ب. عوامل بیرونی و محیطی: بی‌توجهی به نوجوان از سوی والدین؛ فقدان آرامش در خانواده‌ها به دلایل اقتصادی و فشارهای مالی؛ مورد توجه قرار نگرفتن از سوی همسالان؛ فشارهای روانی روی نوجوان به دلیل وجود سد کنکور و اجبار خانواده‌ها برای قبولی در کنکور و محل تحصیل بهتر؛ محیط آموزشی و تربیتی ناسالم؛ روش نادرست پاسخگویی به مسائل جنسی نوجوانان.

۳. عوامل خانوادگی مؤثر در بروز آسیب‌های اجتماعی نوجوانان

الف. عوامل اقتصادی خانواده: نبود رفاه در قشر کم‌درآمد و چندشغله بودن پدر یا شاغل بودن مادر به دلیل تأمین مخارج زندگی و صرف نکردن وقت برای نوجوان.

ب. عوامل فرهنگی و تربیتی خانواده: عدم رعایت بایدها و نبایدهای اخلاقی؛ تنش دائمی در روابط زن و شوهر؛ کتک زدن فرزندان؛ وجود نامادری یا ناپدری در خانواده؛ طلاق رسمی یا عاطفی والدین از همدیگر؛ برخوردار نبودن والدین از بلوغ فکری و شخصیتی، تحصیلات عالی، مناسبات غلط در تعامل‌های اجتماعی و ناآگاهی از شیوه‌های تربیتی و نظارتی بر فرزند؛ نبود استقلال فردی و تصمیم‌گیری‌های اصولی در زندگی از سوی نوجوان به دلیل مشکلات مختلف تحمیل شده از سوی خانواده؛ تقلیدپذیری؛ بی‌اطلاعی خانواده‌ها در خصوص جریان‌ها و روندهای اجتماعی روز؛ دور شدن افراد خانواده از همدیگر و اختصاص ندادن فرصتی برای گفت‌وگوی سازنده.

۴. عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در بروز آسیب‌های اجتماعی نوجوانان

الف. عوامل ساختاری و حاکمیتی: جامعه فاقد شرایط سلامت اجتماعی یعنی جامعه دارای نابرابری و تبعیض، تجاوز به حقوق انسانی؛ ضعف اخلاق‌مداری در بین مسئولان و سرایت آن به آحاد جامعه؛ حساس نبودن اعضای جامعه در رابطه با ناهنجاری‌های اجتماعی نوجوانان و جوانان؛ اعتماد نکردن مردم به مسئولان و انتقال آن در گفت‌وگوهای خانوادگی؛ نبود درخواست از سوی جامعه برای ارائه یک شخصیت مستقل و دارای برنامه برای نوجوان؛ بی‌ارزش قلمداد کردن نوجوان از سوی اجتماع و نهادهای سیاسی باعث بروز آسیب‌های نهفته یا آشکار در وی می‌شود؛ بی‌عدالتی‌های موجود در جامعه در زمینه‌های تحصیلی و سهمیه‌های کنکور؛ تبعیض شغلی و نگاه تبعیض‌آمیز به افراد در بازار؛ ضعف نهادهای فرهنگی در مدیریت امور؛ نظارت نکردن بر محیط‌های آموزشی.

ب. گروه همسالان: تربیت سالم یک نوجوان در اثر تباط با تربیت ناسالم خانواده دیگر از بین می‌رود؛ اگر دوستان یک نوجوان دچار مشکلات تربیتی و آسیب‌های متنوع اجتماعی باشند، خود فرد نیز بیشتر احتمال دارد که در شیوه‌های رفتاری و گفتاری با آنها همساز و هماهنگ باشد.

ج. عوامل خارجی: وارد شدن فرهنگ بیگانه در فرهنگ بومی و محلی و حضور ماهواره در خانواده و از بین رفتن قبح بسیاری از مسائل اخلاقی؛ مقایسه سطح رفاه و بسیاری از مسائل دیگر از جمله مقایسه کشورمان با کشورهای دیگر و غیره.

د. عوامل دینی و اقتصادی: کم‌رنگ شدن دین و مذهب در جامعه و عدم پایبندی به ارزش‌های اخلاقی جهانشمول؛ ورود زود هنگام نوجوانان به بازار کار؛ عدم دستیابی فرد به شرایط تأمین رفاه جسمانی و روان‌شناختی.

۵. عوامل قانونی، نهادی و حاکمیتی در بروز آسیب‌های اجتماعی نوجوانان

الف. عوامل مدیریتی: وجود تبصره‌های مختلف و توجه نکردن مسئولان به قانون و قانون‌مداری؛ نظارت نکردن نهادهای قانونی؛ دسترسی آسان به روانگردان‌ها، مواد مخدر و مشروبات‌های الکلی به دلایل ضعف عملکردی دستگاه‌ها؛ شفاف نبودن عملکرد مسئولان؛ نظارت نکردن بر عملکرد مسئولان.

ب. عوامل اقتصادی: عدم تخصیص بودجه کافی به نهادهای درگیر در بحث پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی.

ج. عوامل ساختاری: نهادهای حاکمیتی بیشتر به دنبال مقابله هستند تا پیشگیری اولیه؛ کم‌رنگ شدن نقش حاکمیت در برخی زمینه‌ها باعث بی‌اعتمادی در بنیان خانواده‌ها و انتقال آن به نوجوانان می‌شود؛ نداشتن هیچ رویکردی در قبال فرصت‌ها، تهدیدها و نقاط ضعف و قوت برای نوجوانان از سوی عوامل حاکمیتی؛ نظام آموزشی به‌خصوص در سال‌های اخیر، درجه بهره‌مندی نوجوانان از آموزش مناسب را متناسب با رتبه اقتصادی خانواده‌ها قرار داده است و خود این موضوع منجر به حسرت، تنفر و کینه طبقه پایین به بالا و نگاه توأم با برتری‌بینی نوجوانان طبقه بالا به پایین می‌شود؛ اجرا نکردن قانون برای تمامی آحاد جامعه صرف نظر از طبقه سیاسی یا اجتماعی افراد؛ وجود حاشیه امن برای ژن‌های خوب؛ تحمیل و اجبار بر پذیرش عقاید حاکمیتی بر نسل جوان؛ گوش ندادن به خواسته‌ها و مطالبه‌های نسل جوان و در نتیجه، در انزوای قرار گرفتن نوجوانان؛ بی‌توجهی به تولید محتوای سازگار و متناسب با الزام‌های جامعه در زمینه نیازهای نوجوانان و به اصطلاح نبود جایگزین مناسب برای انواع محصولات فرهنگی مخرب غرب.

۶. تأثیر فضای مجازی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر آسیب‌های اجتماعی نوجوانان

الف. عوامل آموزشی: عدم آموزش سواد رسانه‌ای و مهارت‌های بهره‌گیری از رسانه‌ها به نوجوانان.
ب. عوامل خانوادگی: آگاهی نداشتن خانواده‌ها از عوارض و پیامدهای ناخواسته فضای مجازی؛ فرزندسالاری در بین برخی از خانواده‌ها؛ سهولت دسترسی به تلفن همراه و اینترنت برای نوجوانان در خانواده و پایین آمدن سن دسترسی به تلفن همراه.

ج. عوارض فردی و اجتماعی: آثار جسمانی ناشی از اعتیاد اینترنتی شامل کم‌تحرکی، اضافه وزن و چاقی، دیابت، بیماری‌های قلبی و عروقی و در نهایت مرگ زودرس؛ از آثار اجتماعی سوء استفاده از فضای مجازی می‌توان به خشونت و پرخاشگری اشاره کرد؛ از بین رفتن اعتبار و آبروی خانوادگی، ایجاد مشکلات در تحصیل و حتی در مواردی، کلاهبرداری‌ها و سوء استفاده‌های جنسی.

د. عوامل سیاسی و مدیریتی: ضعف نهادهای فرهنگی و در نتیجه کشیده شدن جوانان به سمت فضای مبهم مجازی؛ عدم تدوین و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های صحیح در زمینه پیشگیری از آسیب‌های نوپدید از سوی تصمیم‌گیران و سیاستگذاران.

۷. نقش نهادهای فرهنگی و آموزشی همچون آموزش و پرورش و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیشگیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی

الف. نقش سیاستگذاری و مدیریتی: کوتاهی اداره آموزش و پرورش در امر پرورش و واگذار کردن این وظیفه به خود خانواده‌ها؛ مشهود نبودن تاثیرگذاری اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی در این زمینه؛ تضعیف نقش تربیتی مربیان؛ تعریف، ترویج و تقویت ارزش‌های سالم در بین دانش‌آموزان با استفاده از زبان جوان‌پسند.

ب. نقش آموزشی: برگزاری دوره‌های آموزشی از سوی نهادهای فرهنگی؛ آموزش بسیاری از مهارت‌ها نظیر الگو شدن برای فرزند از سوی نهادهای فرهنگی؛ به‌کارگیری زبان هنر و فناوری‌های پیشرفته برای افزایش تاثیرگذاری؛ آموزش مهارت‌های زندگی و آموزش‌های عملی در سطوح مختلف ارتباطات فردی، میان‌فردی و جمعی؛ بالا بردن سطح دانش و آگاهی دانش‌آموزان و خانواده‌ها در برابر رفتارهای پرخطر و ناسالم اجتماعی.

ج. راهکارهای عملی: تحقیق اولویت‌بندی معضل‌های پیش روی نوجوانان از سوی آموزش و پرورش و سپس ارائه راهکارهای نظری و عملی به خود نوجوان؛ تلاش برای همراه کردن علم و دانش با تقوی و پاکی در چارچوب دین و مذهب؛ تدوین چارچوبی برای کاستن فشار روانی شرکت در کلاس‌های کنکور و آزمون‌های آزمایشی؛ تدوین سیاست‌ها و برنامه‌هایی در حوزه آسیب‌های اجتماعی؛ استفاده از تجارب کارشناسان؛ تخصیص بودجه مناسب برای پیشگیری و کنترل آسیب‌ها؛ تعامل با خانواده‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد؛ ارائه گزارش به صورت منظم؛ الگوگیری از تجارب کشورهای موفق در این حوزه؛ به‌روز شدن آگاهی‌های کارکنان نهادهای فرهنگی و آموزشی؛ تعامل آموزش و پرورش و اداره ارشاد از طریق تقویت فرهنگ کتابخوانی با تجهیز کتابخانه‌های مدارس و مساجد و ایجاد فضای ترغیبی مثل برگزاری مسابقه‌ها و همچنین برگزاری نشست‌های توجیهی برای نوجوانان و والدین هم به صورت مشترک و هم به صورت مستقل و تخصصی؛ تشکیل شورا یا انجمن در هر واحد آموزشی برای بررسی و برنامه‌ریزی مسائل تربیتی و فکری دانش‌آموزان آن مدرسه.

۸. نقش بهزیستی و نهادهای حمایتی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

الف. وظایف ذاتی: وظیفه بهزیستی، بیشتر انجام امور کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست تا سن ۱۸ سالگی بوده و فاقد عملکرد مشخص در این زمینه است؛ بهزیستی و نهادهای حمایتی بیشتر نقش پساآسیب اجتماعی را برای نوجوان زندانی و یا معتاد بر عهده دارند و در زمینه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی نقش خیلی کمی دارند.

ب. نقش آموزشی: برگزاری کارگاه‌های آموزشی در حوزه پیشگیری از سوی بهزیستی.

ج. نقش پیشگیری: دو وظیفه بهزیستی در این حوزه، پیشگیری و پژوهش است که محور پیشگیری در بهزیستی اهمیت ویژه‌ای دارد از جمله جلوگیری از حوادثی چون طلاق، موادمخدر، تکدی‌گری و ...

د. نقش پژوهشی: روش معلم‌محوری باعث ایجاد ارتباط، انگیزه و همدلی در مردم می‌شود.

۹. نقش نیروی انتظامی در مقابله با آسیب‌های اجتماعی نوجوانان

الف. نقش جامعه‌پذیری: جامعه‌پذیری افراد در جامعه پس از خانواده.

ب. وظایف ذاتی: اتخاذ سیاست‌های مدون در زمینه پیشگیری؛ تاثیرگذاری نیروی انتظامی بر قدرت بازدارندگی آن استوار است؛ انجام مشاوره و تقویت مددکاران اجتماعی در نهادهای انتظامی؛ بیشترین نقش نیروی انتظامی، جلوگیری از مافیاهایی است که می‌توانند نوجوان را دچار آسیب اجتماعی کنند.

ج. نقش ارتباطی: برقراری رابطه قوی نیروی انتظامی با خانواده‌ها و برگزاری کلاس‌های آموزشی برای آنان؛ رابط بودن پلیس بین سازمان‌های مردم‌نهاد فعال و خانواده‌ها.

۱۰. اولویت‌های موضوعی برای برنامه‌ریزی و برنامه‌سازی به منظور ارتقای سلامت اجتماعی از سوی رسانه

الف. برنامه‌سازی در حوزه خانواده و اجتماع: آموزش مدیریت برخورد با نوجوانان در خانواده‌ها به شیوه‌های مستقیم و به‌ویژه غیرمستقیم؛ بررسی عوامل آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی موجود و تلاش جهت آموزش مهارت‌های مقابله با آن؛ برنامه‌سازی در مورد روابط بین والدین و نوجوانان، دین و مسائل مذهبی، حقوق شهروندی و مشکلات آن؛ احساس امکان پیشرفت و تلاش در زمینه‌های گوناگون؛ آموزش در زمینه‌های اجتماعی شدن، کارهای مشارکتی و جمعی، قانون‌پذیری و مبارزه با تبعیض و بی‌عدالتی‌های اجتماعی.

ب. برنامه‌سازی در حوزه فضای مجازی: آموزش سواد رسانه‌ای؛ آموزش سواد فضای مجازی؛ به نمایش گذاشتن موارد استفاده نادرست از فضای مجازی.

ج. آگاه‌سازی فردی: آموزش مهارت‌های فردی؛ روابط با جنس مخالف؛ برنامه‌سازی در زمینه اخلاق‌مداری، اعتماد اجتماعی؛ برجسته‌سازی تلاش‌های موفق و الگوسازی از افراد و گروه‌ها و باورپذیر کردن دستیابی به اهداف فردی با رعایت مصالح جمعی؛ برنامه‌سازی اقتناعی برای جلوگیری از روی آوردن نوجوانان به مصرف مواد و مشروب.

د. برنامه‌های جانبی: برگزاری کمپین‌های رسانه‌ای برای مقابله با مصرف مواد مخدر و مشروب‌های الکلی، نزاع‌های خیابانی، قتل و سایر آسیب‌ها.

پیشنهادها برای ارتقای عملکرد رسانه در حوزه سلامت اجتماعی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی نوجوانان

- جلب اعتماد عمومی توسط رسانه در سطح کلان؛
- نظرخواهی از خود نوجوانان و دخیل کردن آنان در امر برنامه‌سازی؛
- حضور مداوم رسانه در بین افراد و خانواده‌های قربانی آسیب‌های اجتماعی؛
- گوش کردن مسئولان به مشکلات نوجوانان از زبان خود آنان؛
- شناسایی آسیب‌های موجود بر اساس پژوهش‌ها و آمار؛
- آموزش مهارت‌های مرتبط با خانواده‌ها و نوجوانان؛
- بهره‌گیری از توانایی سازمان‌های مردم‌نهاد؛
- پیگیری مباحثی که در جامعه می‌تواند به مناسب‌سازی محیط خانوادگی، اجتماعی و ... بینجامد؛
- بهره‌گیری از افراد کارشناس در تولید برنامه‌ها؛
- پخش برنامه‌های شاد و مفرح؛
- نهادینه کردن ساختارها و الگوهای صحیح فرهنگی و اجتماعی به واسطه بهره‌گیری از نیروهای حرفه‌ای رسانه و کارشناسان این حوزه؛
- آموزش و تقویت مهارت‌های اجتماعی با تهیه برنامه‌های مستندمحور نظیر برنامه شوک شبکه سراسری؛
- تنظیم سندی به عنوان راهبردی جهت ارتقای سلامت اجتماعی و تدوین و اجرایی کردن راهبردهای عملیاتی در سه حوزه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و برنامه‌سازی بر اساس این برنامه راهبردی؛
- اولویت‌بندی آسیب‌های اجتماعی نوجوانان؛
- استفاده از تیم کارشناسی برای ارائه راهکارها؛
- نظرسنجی و نیازسنجی به منظور ارتقای کیفی برنامه‌ها و تهیه برنامه‌های جدید مرتبط با آسیب‌های اجتماعی نوجوانان؛
- طراحی محلی جهت آموزش‌های شهروندی برای نوجوانان با هدف اصلاح ناسازگاری‌های اجتماعی.

بحث و نتیجه‌گیری

نوجوانی مرحله‌ای است که شخص نقطه‌نظرات و دیدگاه‌های دیگران را درک می‌کند و این مسئله دنیای نوجوان را پیچیده‌تر می‌کند. نوجوان از طریق کسب هویت، تصویر ذهنی مناسب از خود، مشخص شدن نقش‌های جنسی و یادگیری در مورد ارتباط با افراد و محیط‌های مختلف، جهت آماده شدن برای زندگی خانوادگی و اجتماعی آینده و ایفای نقش‌های شهروندی و افزایش قدرت حل مسئله به دنبال استقلال است. (مسعودی فرید و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۴)

در یک نظام اجتماعی، هنگامی که یک رفتار به گونه‌ای چشم گیر با هنجارهای اجتماعی اختلاف پیدا می‌کند و مجازات می‌شود، به "آسیب اجتماعی" ملقب می‌شود. آسیب‌شناسی اجتماعی، مطالعه ناهنجاری‌های اجتماعی نظیر بیکاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، طلاق، ولگردی، گدایی و ... همراه با علل و شیوه‌های پیشگیری و درمان آن‌ها به انضمام مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامان اجتماعی است. (کاوه، ۱۳۹۱)

اهدافی که می‌توان برای آسیب‌شناسی اجتماعی در نظر گرفت، عبارت از: مطالعه و شناخت آسیب‌های اجتماعی و علل و انگیزه‌های پیدایی آن‌ها؛ پیشگیری از وقوع انحراف‌های اجتماعی و جرم در جامعه به منظور بهسازی محیط زندگی جمعی و خانوادگی؛ درمان کجروان اجتماعی با به کارگیری روش‌های علمی و استفاده از شیوه‌های مناسب برای قطع ریشه‌ها و انگیزه‌های این کجروی‌ها؛ تداوم درمان برای پیشگیری و جلوگیری از بازگشت مجدد انحراف‌های اجتماعی و بررسی شیوه‌های بازپذیری اجتماعی است. (ستوده و بهاری، ۱۳۸۶)

ارتباطات و رسانه‌های ارتباطی علاوه بر این، از آن جهت در این گونه برنامه‌ها اهمیت می‌یابند که می‌توانند با برجسته‌سازی موضوع‌ها سبب آگاهی برنامه‌ریزان و سیاستگذاران جامعه نسبت به این مشکل شوند تا تحت فشار افکار عمومی به این مسئله اهمیت بیشتری بدهند. اما، در این زمینه استفاده از ارتباطات و رسانه‌های ارتباطی باید با دقت صورت گیرد، چراکه این رسانه‌ها مانند تیغ دو لبه‌ای هستند که در صورت استفاده نامناسب از آن‌ها می‌توانند آثار بسیار وخیمی را بر جای گذارند. ارائه اطلاعات نادرست در مورد آسیب اجتماعی، ارائه چهره‌ای نامناسب و غیرواقعی از افراد منحرف و کجرو و در نتیجه طرد آن‌ها از جامعه، تکیه صرف بر حوادث و رخدادهای خشونت‌بار و جنایات‌ها و ارائه نکردن روش‌ها و آموزش‌های پیشگیری از جمله اشتباه‌هایی است که رسانه‌های ارتباطی ممکن است مرتکب شوند. در مقابل، استفاده صحیح و مناسب از این رسانه‌ها می‌تواند کمک بسیار زیادی به برنامه‌های پیشگیری کند. این رسانه‌ها می‌توانند با ارائه آموزش‌های پیشگیرانه به خانواده‌ها و جوانان، آن‌ها را با این معضل‌ها آشنا کنند و به آن‌ها در این مبارزه یاری رسانند. با این اوصاف، هر اندازه جامعه برای تغییرهای به وجود آمده از آمادگی و توان پاسخگویی بیشتری برخوردار باشد، امکان تولید یا فراگیری آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌یابد و یکی از کارآمدترین و مهم‌ترین ابزارهای پیشگیری و مقابله با آسیب‌های اجتماعی، به کارگیری ابزارهای فرهنگی و رسانه‌ای است. (مدنی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۱)

هدف پژوهش حاضر، بررسی آسیب‌های اجتماعی نوجوانان و نحوه پرداختن رسانه به آن بوده است. در این مطالعه چندین مؤلفه و شاخص مورد بررسی قرار گرفتند که به مهم‌ترین نتایج حاصل از این تحقیق به صورت خلاصه اشاره می‌شود:

مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی نوجوانان به "آسیب‌های فیزیکی و رفتاری"، "آسیب‌های نوپدید"، "آسیب‌های شناختی"، "آسیب‌های محیطی" و "آسیب‌های مدیریتی و حاکمیتی" تقسیم

می‌شود. عوامل فردی بروز آسیب‌های اجتماعی نوجوانان شامل "عوامل درونی" و "عوامل بیرونی و محیطی" هستند. عوامل خانوادگی مؤثر در بروز آسیب‌های اجتماعی نوجوانان در برگیرنده "عوامل اقتصادی خانواده" و "عوامل فرهنگی و تربیتی خانواده" بوده و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر نیز شامل "عوامل ساختاری و حاکمیتی"، "گروه همسالان" و "عوامل خارجی" هستند. عوامل قانونی، نهادی و حاکمیتی در بروز آسیب‌های اجتماعی نوجوانان به "عوامل مدیریتی"، "عوامل اقتصادی" و "عوامل ساختاری" تفکیک شده است. تأثیر فضای مجازی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی مشتمل بر "عوامل آموزشی"، "عوامل خانوادگی"، "عوامل فردی و اجتماعی" و "عوامل سیاسی و مدیریتی" است. نقش نهادهای فرهنگی و آموزشی همچون آموزش و پرورش و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیشگیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی نیز "نقش سیاست‌گذاری و مدیریتی" و "نقش آموزشی" را شامل می‌شود. نقش بهزیستی و نهادهای حمایتی نیز، "وظایف ذاتی"، "نقش آموزشی"، "نقش پیشگیری" و "نقش پژوهشی" را در بر می‌گیرد. "نقش جامعه‌پذیری"، و "نقش ارتباطی" از وظایف نیروی انتظامی در مقابله با آسیب‌های اجتماعی نوجوانان است.

در نهایت، اولویت‌های برنامه‌سازی رسانه در حوزه آسیب‌های اجتماعی نوجوانان به برنامه‌سازی برای خانواده‌ها در مواردی از قبیل آموزش مدیریت برخورد با نوجوانان در خانواده‌ها به شیوه‌های غیرمستقیم؛ بررسی عوامل آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی موجود و تلاش جهت آموزش مهارت‌های مقابله با آن؛ برنامه‌سازی در مورد روابط بین والدین و نوجوانان، حقوق شهروندی؛ آموزش در زمینه‌های اجتماعی شدن، کارهای مشارکتی و جمعی، قانون‌پذیری و مبارزه با تبعیض و بی‌عدالتی‌های اجتماعی و نهادی است. آموزش مهارت‌های زندگی؛ روابط با جنس مخالف؛ برنامه‌سازی در زمینه اخلاق‌مداری، اعتماد اجتماعی؛ برجسته‌سازی تلاش‌های موفق و الگو‌سازی از افراد و گروه‌ها و باورپذیر کردن دستیابی به اهداف فردی با رعایت مصالح جمعی؛ برنامه‌سازی اقناعی برای جلوگیری از روی آوردن نوجوانان به مصرف سیگار، مواد مخدر و اعتیاد نیز در زمره برنامه‌سازی‌ها در حوزه فردی است.

منابع

خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی دین‌پژوهی معاصر (تحلیل دین‌شناسی شریعتی، بازرگان و سروش)، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.

درستی، امیرعلی؛ نبی‌الله ایدر و نرگس بهداروند (۱۳۹۰)، "بررسی آسیب‌های نوپدید در جوانان شهرستان شوشتر"، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال پنجم، شماره ۱۴.

دفلور، ملوین و دنیس اورت (۱۳۸۳)، شناخت ارتباطات جمعی، ترجمه سیروس مرادی، انتشارات دانشکده صداوسیما، تهران.

رفاهی، ژاله (۱۳۸۷)، "آموزش مهارت‌های زندگی راهکار پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی نوجوانان"، فصلنامه رهیافتی

نو در مدیریت آموزشی، ۱ (۲).

زکریایی، محمدعلی (۱۳۸۲)، "جامعه‌شناسی مصرف مواد مخدر"، فصلنامه اعتیادپژوهشی، سال دوم، شماره ۵.

ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۰)، آسیب‌شناسی اجتماعی، نشر آوای نور، تهران.

ستوده، هدایت‌الله و سیف‌الله بهاری (۱۳۸۶)، آسیب‌شناسی خانواده، ندای آریان، تهران.

سرخوش، سعداله (۱۳۸۴)، مهارت‌های زندگی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، انتشارات کرشمه، همدان.

سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی کجروی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.

شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۸)، بزهکاری اطفال و نوجوانان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۳)، آسیب‌شناسی اجتماعی، انتشارات آن، تهران.

عبداللهی، محمد (۱۳۸۳)، آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران، مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، جلد یکم، انتشارات آگاه، تهران.

عبقری، آدینه (۱۳۸۰)، پیشگیری از جرایم کودکان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، تهران.

فدوی، جمیله و سروش فتحی (۱۳۹۱)، "تحلیلی بر آسیب‌های اجتماعی جوانان طی سال‌های ۸۷-۱۳۷۸ و عوامل مؤثر بر آن"، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، دوره ۳، شماره ۸.

فردوسی طیبه و سیدمهدی و آقاپور (۱۳۹۱)، "آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌ها (با تأکید بر دختران دانشجو)"، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، ۴ (۳).

فیض، علیرضا (۱۳۶۹)، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

کاوه، محمد (۱۳۹۱)، آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی، جلد اول، نشر جامعه‌شناسان، تهران.

گل‌پور، محسن (۱۳۸۶)، بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر فرار دختران، نشر پاچار، تهران.

لیندلف، تامس و برایان تیلور (۱۳۹۲)، روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات، ترجمه عبدالله گیویان، انتشارات همشهری.

محمدی اصل، عباس (۱۳۸۵)، بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی، علم، تهران.

مدنی، سعید، محمدعلی مقدسی لشکرجانی و شهلا کاظمی‌پور (۱۳۹۷)، "بازنمایی آسیب‌های اجتماعی تهدیدکننده نهاد خانواده در سینمای دهه‌های ۷۰ و ۸۰ شمسی ایران"، فصلنامه رسانه، سال بیست و نهم، شماره ۲.

مسعودی‌فرد، حبیب، شبنم میربیگی و زهرا اصفهانی (۱۳۹۱)، پیشگیری اولیه از اعتیاد با تمرکز بر رسانه، ستاد مبارز با مواد مخدر، تهران.

مکوندحسینی، شاهرخ (۱۳۹۱)، شیوع‌شناسی آسیب‌های اجتماعی شهر سمنان با بهره‌گیری از اطلاعات سامانه‌های ۱۴۸۰ و ۱۲۳، سازمان بهزیستی استان سمنان.

مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۹۲)، نظریه‌های رسانه‌اندیشه‌های رایج و ردیدگاه‌های انتقادی، انتشارات همشهری، تهران.

Colbert A.E, Mount M.K, Harter J.K, Witt L.A, Barrick M.R. (2004), " Interactive Effects of Personality and Perception of the Work Situation on Workplace Deviance", *Journal of Applied Psychology*, 89/4.

Galperin Bella L., Burke Ronald J. (2006), "Uncovering the Relationship Between Workaholism and Work-place Destructive and Constructive Deviance: an Exploratory Study", International Journal of Human Resource Management, 17/2.

Thomson ,D (2004), Crime and Deviance, Oxford: Oxford University Press.